

عنوان نشست: نقش بانک مرکزی در جهش تولید با مشارکت مردم

واحد برگزار کننده نشست:	دانشکده اقتصاد
مسئول نشست:	دکتر سمانه عابدی (عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
تاریخ برگزاری نشست:	خردادماه ۱۴۰۳
اعضای هیأت علمی:	دکتر ناصر خیابانی، دکتر تیمور محمدی، دکتر عبدالرسول قاسمی، دکتر سیدمحمد رضا سیدنورانی، دکتر شهزاد پرومند، دکتر مرتضی خورسندی، دکتر حمیدرضا ارباب، دکتر محمدمهدی مجاهدی، دکتر امیر خادم عزیزاده (اعضای هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
نمایندگان دستگاه‌های اجرایی مرتبط:	دکتر محمدحسین قوام، دکتر حسین حسن‌زاده و دکتر مهدی نوری (اعضای هیأت اندیشه‌ورز بانک مرکزی)
مسئله محوری نشست:	بانک مرکزی چگونه می‌تواند هم زمینه جهش تولید و هم زمینه را برای مشارکت مردمی فراهم نماید؟
سازمان‌های هدف توصیه سیاستی:	وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

چکیده مباحث طرح‌شده (مقدمه، چالش‌ها و مشکلات پیش رو):

در هر اقتصاد رو به رشد و توسعه، تولید به‌مثابه کلیدی‌ترین بخش زیرساخت‌های آن نیاز به فراهم‌سازی زمینه‌ها و بسترهای مالی مناسب با آن را دارد؛ بنابراین بانک‌ها و به طریق اولی بانک مرکزی به‌عنوان تأمین‌کنندگان کمک‌های مالی برای راه‌اندازی صنایع و بنگاه‌های تولیدی با ابعاد کوچک و متوسط و حتی بنگاه‌های بزرگ تولید نقشی وافر و بسزا را در جهش تولید دارد؛ بنابراین نقش بانک مرکزی در اقتصادهای برتر دنیا بسیار حیاتی است. بانک مرکزی اقتصادهای بزرگ در تنظیم و کنترل پول و تأمین نقدینگی، تنظیم نرخ بهره و پشتیبانی از پایداری مالی و اقتصادی نقش دارد. همچنین، بانک مرکزی می‌تواند به‌عنوان یک مدیرکل در اجرای سیاست‌های مالی و پولی باشد تا به رشد تولید و اشتغال کمک کند. لذا بانک مرکزی در مقام سیاست‌گذار عمده برنامه‌ها و شیوه‌های تأمین مالی این بنگاه‌ها با تدوین برنامه و راه‌اندازی روش‌ها و متدهای کمک به بنگاه‌ها می‌تواند در زمینه اعطای وام‌های کم‌بهره و حتی گاهی کمک‌های بلاعوض به کارخانجات و صنایع کوچک با ایجاد

انگیزه‌های مالی و بهره‌های اندک به جهش تولید کمک شایانی بنماید. از سوی دیگر وجود زمینه‌های انگیزشی در میان صاحبان صنایع و بنگاه‌های تولیدی با ایجاد اشتغال به کاهش سطح بیکاری در جامعه و در نتیجه برآیند تصاعدی که از به کارگیری نیروهای جوان و با انگیزه در زمینه افزایش تولید و جهش آن حاصل می‌شود. فایده-هزینه دو چندان می‌برد؛ یعنی هم هزینه‌ای تولید کاهش می‌یابد و هم سود ناشی از تولید چند برابر می‌گردد.

از سوی دیگر، مشارکت مردم نیز در توسعه اقتصاد بسیار اهمیت دارد. مشارکت فعال جامعه در فعالیت‌های اقتصادی باعث افزایش سرمایه اجتماعی و ایجاد فرصت‌های شغلی می‌شود. برخی از بانک‌های مرکزی با تشویق به ایجاد شرایط محیطی مطلوب برای سرمایه‌گذاری و کسب و کار، به ترویج رشد اقتصادی در کنار شکل‌دهی به سیاست‌های مالی و پولی مؤثر می‌پردازند؛ اما لازم به ذکر است که برای ایجاد رشد تولید پایدار و پویا، نیاز به تعادل بین نقش بانک مرکزی و مشارکت مردم است. ایجاد هماهنگی بین این دو مؤلفه می‌تواند به نوعی تضمین‌کننده توسعه اقتصادی و اجتماعی باشد. در جهش تولید با مشارکت مردم، نقش بانک مرکزی بسیار حیاتی است. نقش بانک‌ها در جهش تولید با مشارکت مردم می‌تواند به چندین شکل متفاوت باشد. بانک مرکزی می‌تواند از طریق سیاست‌های پولی مناسب، مشارکت مردم را ارتقا دهد. این امر می‌تواند شامل ارائه تسهیلات مالی متناسب برای مشارکت کسب و کارها و افراد باشد تا آن‌ها بتوانند به شکلی فعال در فعالیت‌های اقتصادی شرکت کنند. همچنین، آن‌ها می‌توانند با ارائه آموزش‌ها و مشاوره‌های مالی به افراد و شرکت‌ها کمک کنند تا بهترین راه‌حل‌های مالی را برای افزایش تولید و بهبود کسب و کارها پیدا کنند. از سوی دیگر، بانک‌ها می‌توانند برنامه‌ها و پروژه‌های اجتماعی را با هدف حمایت از توسعه و تولید در جوامع محلی حمایت کنند. اصولاً، نقش بانک‌ها در جهش تولید با مشارکت مردم، می‌تواند بهبود و توسعه اقتصادی منطقه و کشور را تسهیل و تسریع بخشد.

لذا مهم‌ترین سؤال مطروحه در نشست جهت بحث و هم‌اندیشی این است که بانک مرکزی ایران چگونه می‌تواند هم زمینه بحث جهش تولید را فراهم کند و هم زمینه را برای مشارکت مردمی (بنگاه‌های اقتصادی، شرکت‌های کوچک و متوسط و دانش‌بنیان...) ایفا نماید؟

توصیه‌های سیاستی:

۱- بانک مرکزی متولی سیاست پولی اقتصاد ایران است و پول چه به صورت اسکناس و چه اعتبار، چه خصوصیاتی دارد که آن را از سایر متغیرها متفاوت می‌کند که نتیجه آن به تورم و رکود پولی منجر می‌شود؟ کشش تولیدی پول صفر و کشش جانشینی آن هم نزدیک به صفر است. انگیزه‌های مبادلاتی و احتیاطی همیشه تقاضا پول را از عرضه آن بیشتر می‌کند و این عدم تعادل را به اقتصاد تحمیل می‌کند. پول پاداش نقدینگی هم دارد و مردم آن را در حساب نگهداری می‌کنند، زیرا منتظر فرصت سودآوری هستند. با این وضعیت نرخ بهره روی پول با این شیوه کاهش پیدا نمی‌کند و این مشکل منجر به رکورد مداوم پولی خواهد شد که اجازه رشد تولید و اشتغال را نمی‌دهد.

اینکه کنترل‌های مقداری بر روی طرف عرضه یا تقاضا دیده شود جای بحث دارد، اگر در این شرایط عرضه پول کنترل شود و رشد نقدینگی از ۴۰ به ۲۵ درصد برسد، همچنان جامعه تشنه پول است و اثربخش نخواهد بود.

لذا در این زمینه لازم است اقداماتی در جهت کاهش تقاضای پول انجام داد و سیاست پولی و مالی را توأمان بکار گرفته شود. بر این اساس از یک سو سیاست پولی که مشخصاً نرخ بهره را بر روی پول از طریق مکانیزم‌هایی کاهش بدهد و از سوی دیگر سیاست مالی که تقاضای سفته‌بازی بر روی پول را از طریق مالیات‌های گزنده کنترل کند، در کنار این عوامل، مردم توأمان باید مسیرهای سرمایه‌گذاری مشخص داشته باشند. تا در نهایت افزایش اشتغال و مشارکت مردمی رخ خواهد دهد. در این زمینه سیاست رشد تولید یا سیاست اشتغال‌زا در اقتصاد ایران از طریق بانک مرکزی امکان‌پذیر است.

۲- آیا دولت یا مقامات پولی در این چند سال توانسته جهش‌های ارزی را کنترل کند؟ جواب خیر است، علت هم این است که انتظارات شدیداً افزایش داشته و هر سیگنال و شوک منجر به بحران ارزی می‌شود. نگاه سیاست‌گذاران در راستای کنترل تورم باید قیمتی باشد، در کوتاه‌مدت برای کنترل تورم و گذار از بحران نیاز است که سیاست پولی مدنظر قرار گیرد؛ اما در بلندمدت باید نگاه

به واقعیت‌های آشکار شده سایر کشورها توجه شود. همچنین سیاست‌گذار باید نرخ‌های تورم پیش‌بینی شده در سال‌های آینده را مطرح کند و اعتماد مردم را جلب کنند.

۳- در رابطه با سیستم بانکی، نرخ بانک‌ها دستوری کنترل شده و تورم ناشی از سیاست مالی، سیاست پولی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این شرایط تقاضا برای وام‌ها افزایش می‌یابد. هم‌زمان سپرده‌ها کم می‌شوند، در این وضعیت تراز بانک‌ها برهم می‌خورد و منجر به ورشکستگی می‌شود؛ بنابراین بانک برای حفظ حیات خود مجبور به فعالیت‌های غیراقتصادی می‌شود. به همین جهت در این زمینه نیاز به تدابیر نظارتی دقیق بانک مرکزی است.

۴- کنترل قیمت به شکل نرخ بهره آن طور که حاصل شده ممکن است که غلط‌انداز باشد و کار را دشوار نماید. باید سیاست‌ها به صورت توجه به سطح قیمت‌ها نه به معنای کنترل قیمتی باشد. در حال حاضر شیوه‌های قیمت‌گذاری در بحث برق آب، گاز، ... ناترازی ایجاد می‌نماید. لذا شیوه قیمت‌گذاری‌هایی که بر اساس تحلیل سیاست‌گذاری نمی‌باشد، زمینه برای مشارکت را فراهم نمی‌کند. چرا که سیاست مالی بر روی سیاست پولی تأثیر خواهد گذاشت. در نتیجه لازم است تا در شیوه‌های قیمت‌گذاری بازنگری شود تا مشارکت مردم افزایش یابد.

۵- بسیاری از مشکلات اقتصادی از رفتارهای دولت نشأت گرفته چرا که دولت بیش از حد بزرگ است. دولت در تمام امور جزئی دخالت و کنترل دارد و در مقابل مردم نقش کمی را ایفا می‌نماید. در این زمینه دولت باید کوچک و دخالت را کاهش دهد و اقتدار خود را در اختیار مردم بگذارد. یکی دیگر از مشکلات اقتصادی بخش تجارت است که ارتباط زیادی با نوسانات ارزی دارد. با تحریم ایران دارای یک اقتصاد بسته و تعاملات محدود است که قاعدتاً جهش تولید در این فضای با چالش‌های متعددی روبه‌رو است.

۶- برای تولید نیاز به سرمایه‌گذاری و برای سرمایه‌گذاری نیاز به شرایط اطمینان است. لذا در این زمینه به نظر می‌رسد با توجه به آنکه بانک مرکزی سیاست تثبیتی را آغاز کرده، آن را با هدف گذاری کاهش تورمی ادامه دهد. نقش بانک صرفاً واسطه مالی است و باید سرمایه را به دست کسانی که فرصت سرمایه‌گذاری دارند برساند و از طریق واسطه‌گیری باعث رشد تولید شود. این در حالی است که بانک‌های ایران خود را درگیر فعالیت‌های مالی و فعالیت‌های

فصل دوم: توصیه‌های سیاستی نشست‌ها به تفکیک ... ۱۰۴

سوداگرانه‌ای کردند که نتیجه آن‌ها ایجاد تورم است. در نتیجه باید سیاست‌های بانک مرکزی به سمتی رود که به بانک‌ها چگونه فعالیت خود را به سمت واسطه‌گری مالی سوق دهند و از فعالیت سوداگرانه خارج شوند. برای نمونه ورود بانک‌ها به بازار بورس در آمریکا ممنوع است و این نشان‌دهنده سیگنالی برای تمرکز آن‌ها بر واسطه‌گری مالی می‌باشد.

۷- در صدر اسلام تورم منشأ پولی نداشت، تنها عوامل ایجادکننده آن خشک‌سالی یا جنگ بوده است. با مطالعه قوانین اسلام یکی از اصول بانکی با رویکرد بانکداری اسلامی هماهنگی بخش حقیقی و مالی است؛ به عبارت دیگر رشد پولی و حقیقی می‌بایست برابر باشد. نکته دیگر آن است که اوراق گواهی اعتبار مولد که به اختصار «گام» نامیده می‌شوند، سازوکاری را ایجاد خواهند کرد که واحدهای تولیدی به جای دریافت تسهیلات از بانک‌ها، به اعتبار و ضمانت بانک تکیه کرده و از این طریق تأمین مالی خود را انجام دهند. این طرح مناسب گروه‌های تولیدی است که در تأمین مواد اولیه خود دچار کمبود نقدینگی هستند. بر اساس آن، یک بنگاه متعهد است و یک بنگاه متقاضی وجود دارد. مزیت این ابزار مالی آن است که به رشد و جهش تولید کمک می‌کند اما تورم‌زا نیست.

۸- عدم قطعیت از مشکلات رشد تولید در ایران است. چرا که وقتی عدم قطعیت وجود داشته باشد، معاملات سوداگرانه سودآور خواهد شد و ریسک افزایش می‌یابد. از سوی دیگر ناکارآمدی مدیریتی و فقدان رقابت در اقتصاد از عوامل مهم دیگر در زیان‌ده شدن بنگاه‌ها است و این در حالی است که هیچ برنامه‌ای جهت انحصارزدایی وجود ندارد. در این زمینه باید یادآور شد راه‌حل‌های کوتاه‌مدت اگرچه سریع پاسخ‌گو هستند اما مشکلات انباشته را ایجاد می‌کنند. نکته دیگر نگرش عدم سیستمی به اقتصاد است. برای نمونه زمانی که درباره بانک مرکزی سخن گفته می‌شود، بخش تولید در کنار آن دیده نمی‌شود. مالیات از حوزه‌هایی دارای درآمد زیاد اما نامشخص است اخذ نمی‌شود اما در مقابل از حوزه‌های با درآمد کم اما مشخص، مالیات اخذ می‌شود. لذا به نظر می‌رسد جهت بهبود این چالش‌ها، بخش تولید باید در کنار بخش بانک مرکزی به صورت یکپارچه و جامع نگریسته و بررسی شود.

در مجموع به نظر می‌رسد برخی از سیاست‌هایی که می‌توانند منجر به جهش تولید با مشارکت مردم شوند عبارت‌اند از:

۱- **تسهیل و ارتقاء دسترسی به منابع مالی و سرمایه:** ایجاد برنامه‌ها و تسهیلاتی برای افزایش دسترسی مردم به سرمایه‌های اولیه برای راه‌اندازی یا گسترش کسب و کارها، می‌تواند به افراد در تولید و خلق اشتغال کمک کند؛ به عبارت دیگر بانک مرکزی می‌تواند از طریق سیاست‌های پولی مناسب، فراهم کردن منابع مالی با بهره‌وری برای کسب و کارها و شرکت‌ها را تسهیل کند تا افراد و شرکت‌ها بتوانند به راحتی به منابع مالی دسترسی پیدا کنند و در بخش‌های مختلف اقتصاد سرمایه‌گذاری کنند. این ممکن است شامل کاهش نرخ‌های سود و یا ایجاد تسهیلات اعتباری با شرایط مناسب برای تولید کنندگان باشد.

۲- **ایجاد فضای مطمئن برای سرمایه‌گذاری:** ایجاد محیطی مطمئن و پایدار از نظر اقتصادی و سیاسی و ارائه سیاست‌هایی که اعتماد سرمایه‌گذاران را جلب کنند، می‌تواند به افزایش سرمایه‌گذاری و در نهایت به افزایش تولید کمک کند.

۳- **ارائه تسهیلات و حمایت‌های مالی:** ارائه تسهیلات مالی با نرخ‌ها و شرایط مناسب برای تشویق به فعالیت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری مردم و کسب و کارها.

۴- **معافیت‌های مالیاتی و تشویقی:** ایجاد تسهیلات مالیاتی و معافیت‌های مالیاتی برای فعالیت‌های تولیدی می‌تواند به تشویق به ایجاد و گسترش کسب و کارها کمک کند.

۵- **ارتقاء زیرساخت‌ها و فناوری:** بانک مرکزی می‌تواند از طریق سرمایه‌گذاری، تسهیلات و سیاست‌های مشابه در ارتقاء زیرساخت‌ها، فناوری و آموزش مهارت‌های لازم برای تولید، می‌تواند به افزایش بهره‌وری و توانایی تولیدی کمک کند. بانک مرکزی می‌تواند در توسعه زیرساخت‌های مالی و ارتقاء سیستم‌های پرداخت الکترونیکی و بانکداری اینترنتی، مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی را تسهیل کند.

۶- **ترویج فرهنگ کارآفرینی و نوآوری:** بانک مرکزی می‌تواند از طریق ارائه حمایت‌ها و تسهیلات برای کسب و کارهای نوظهور و نوآورانه، فرهنگ کارآفرینی و نوآوری را ترویج و تشویق کند تا افراد به بیشتر کارآفرینی و ایجاد کسب و کارهای جدید بپردازند.

فصل دوم: توصیه‌های سیاستی نشست‌ها به تفکیک ... ۱۰۶

۷- **تسهیل در ورود به بازارهای بین‌المللی:** با ارائه تسهیلات و حمایت‌های لازم برای کسب و کارها جهت ورود به بازارهای جهانی، بانک مرکزی می‌تواند به افزایش صادرات و تولید برای صادرات کمک کند.

۸- **ترویج همکاری بین دولت و بخش خصوصی:** بانک مرکزی می‌تواند به ترویج همکاری بین دولت و بخش خصوصی از طریق تسهیلات و برنامه‌های پشتیبانی بپردازد تا این دو بخش بتوانند با همکاری، برای توسعه و جلب سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی همکاری کنند.

۹- **سیاست‌های پولی:** بانک مرکزی می‌تواند سیاست‌های پولی مناسب را اجرا کرده و با کنترل نرخ بهره و تنظیم میزان پول در جریان، شرایط مناسبی را برای سرمایه‌گذاری‌های مردم و کسب و کارها فراهم کند. این اقدام می‌تواند به افزایش تولید و اشتغال کمک کند.

۱۰- **تنظیم بازارهای مالی:** بانک مرکزی می‌تواند با تنظیم و نظارت بر بازارهای مالی، ایجاد شرایط مناسبی را برای سرمایه‌گذاری و رشد تولید فراهم نماید.

۱۱- **ارتقاء آموزش مالی و دسترسی به اطلاعات:** برای جلب مشارکت مردم در افزایش تولید، بانک‌های مرکزی می‌توانند به دنبال ارتقاء سطح آموزش و اطلاعات مردم در زمینه‌های مالی و اقتصادی باشند تا بتوانند بهتر در فعالیت‌های تولیدی شرکت کنند؛ به عبارت دیگر بانک مرکزی می‌تواند با ارائه برنامه‌ها و منابع آموزشی مرتبط با مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری، آگاهی مردم را افزایش داده و مهارت‌های لازم برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی را تقویت کند.

۱۲- **تسهیلات مالی برای تحقیق و توسعه:** ارائه تسهیلات مالی و مشاوره در زمینه تحقیق و توسعه می‌تواند به نوآوری و بهبود فناوری در صنایع تولیدی کمک کرده و جلوه‌ای از سرمایه‌گذاری مؤثر فراهم کند.

بانک مرکزی برخی از کشورهایی که تا کنون توانسته‌اند از طریق برنامه‌ها و سیاست‌های خاص، مشارکت مردم در تولید را تشویق کنند و با موفقیت‌های قابل توجهی مواجه شده‌اند. هر کشور بر اساس شرایط و نیازهای خاص خود از روش‌های مختلف برای تنظیم اقتصاد استفاده می‌کند و این تنوع نشان از رویکردهای متفاوت برای مدیریت اقتصادی در سطح

جهان است. برای مثال، بانک ملی اروپا و بانک انگلستان همانند کمیته انتقال فدرال ایالات متحده امکان تنظیم نرخ بهره را دارند، اما در عین حال از روش‌های دیگری نیز برای کنترل اقتصاد استفاده می‌کنند. بعضی از بانک‌های مرکزی مثل بانک ملی ژاپن به طور فزاینده‌ای از سیاست‌های پولی نوآورانه مانند خرید سهام و اوراق بهادار برای تحریک اقتصاد استفاده می‌کنند. این اقدامات به نام سیاست‌های «تسهیل کمی» شناخته می‌شوند. همچنین برخی کشورها مانند سوئد و دانمارک به جای استفاده از نرخ بهره، از کنترل تورم و تنظیم رشد اقتصادی از طریق کار با نرخ ارزش ارز محلی خود استفاده می‌کنند.

- **ژاپن:** ژاپن یکی از کشورهایی است که با توجه به شرایط منحصر به فرد خود توانسته است نه تنها تولیدات صنعتی بلکه نفوذ پایین به بالا (Bottom-Up Approach) را در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی اجرا کند. این کشور از طریق ترویج کارآفرینی، حمایت از کسب و کارهای کوچک و متوسط و نیز استفاده از فن‌آوری‌های نوین، توانسته است مشارکت مردم را در تولید تقویت کرده است.

بانک مرکزی ژاپن یک برنامه یادگیری مالی برای جوانان راه‌اندازی کرد تا آن‌ها را به مسائل مالی و سرمایه‌گذاری آگاه کند. این برنامه‌ها به جشنواره‌ها، کارگاه‌ها و منابع آموزشی مختلف تجزیه و تحلیل مالی معرفی کرده و به جوانان این کشور کمک می‌کند تا مفهوم سرمایه‌گذاری و مشارکت در بازار سرمایه را درک کنند. این اقدام به جذب مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری کمک کرده است.

- **آلمان:** آلمان یکی دیگر از کشورهای پیشرو در تشویق مشارکت مردم در تولید است. این کشور از طریق توجه به آموزش حرفه‌ای و فنی، حمایت از تحقیق و توسعه و همچنین ارتقاء زیرساخت‌های فنی و حمایت مالی از کسب و کارها، توانسته است به مشارکت فعال مردم در تولید اقتصادی دست پیدا کند.

- **سوئد:** سوئد نیز از طریق توجه به ایجاد شرایط محیط کاری مساعد، ترویج کارآفرینی و خوداشتغالی و همچنین ارتقاء سطح آموزش و دانش مردم، توانسته است به مشارکت گسترده مردم در فعالیت‌های تولیدی دست یابد.

- **چین:** بانک مرکزی چین از سیاست‌هایی مانند کمک به تشویق سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی، اعطای وام‌های مناسب به کسب و کارها و ارتقاء زیرساخت‌های اقتصادی برای تحریک تولید بهره‌برده است. این سیاست‌ها باعث افزایش مشارکت مردم در فعالیت‌های تولیدی و رشد اقتصادی چین شده‌اند. چین اخیراً راهبردهای جالبی را برای تقویت تولید و افزایش مشارکت مردم در این زمینه اتخاذ کرده است. عمده‌ترین راهبردها شامل تسهیلات اعطا شده به کسب و کارها برای تشویق به گسترش و توسعه تولید، افزایش سرمایه‌گذاری‌های دولتی در زیرساخت‌های تولیدی و ایجاد شرایط مناسب برای ایجاد استارت‌آپ‌ها و کارآفرینی است. همچنین، بانک مرکزی چین از سیاست‌های مالی و پولی فعالیت می‌کند که بر آن است تا تشویق به سرمایه‌گذاری و تولید را ترویج کند. این اقدامات شامل تنظیم نرخ‌های بهره، کنترل تورم و اعطای تسهیلات مالی به کسب و کارها جهت تحقق اهداف تولیدی است.
- در جهش تولید، بانک مرکزی چین از چند ابزار مختلف برای تنظیم اقتصاد و تحریک رشد اقتصادی استفاده می‌کند. برخی از ابزارها و سیاست‌هایی که بانک مرکزی چین ممکن است برای جهش تولید به کار ببرد، شامل موارد زیر می‌شوند:
- تنظیم نرخ بهره: تنظیم نرخ بهره توسط بانک مرکزی می‌تواند تأثیر بزرگی بر سرمایه‌گذاری و هزینه‌های وام‌دهی داشته باشد که می‌تواند به تحریک سرمایه‌گذاری و تولید کمک کند.
- تنظیمات پخش پول: تنظیم میزان پول در گردش اقتصادی از طریق سیاست‌های پخش پول می‌تواند به تحریک تجارت و صادرات/واردات کمک کند.
- تنظیمات مالیاتی و اعتباری: بانک مرکزی ممکن است از تغییرات مالیاتی و سیاست‌های اعتباری برای تنظیم مصرف و سرمایه‌گذاری استفاده کند که ممکن است موجب جلوگیری از رکود و تحریک تولید شود.
- سیاست‌های ارزی: در صورتی که چین صادراتی قوی داشته باشد، بانک مرکزی ممکن است با تنظیم نرخ ارز و سیاست‌های ارزی به تحریک صادرات و تولید کمک کند.

تنظیمات بورس و بازار مالی: برخی سیاست‌های بانک مرکزی ممکن است به سمت تنظیمات بورس و بازار مالی برای تحریک سرمایه‌گذاری و ایجاد انگیزه برای تولید متمرکز شوند.

- **هند:** بانک مرکزی هند نیز از طریق اجرای سیاست‌هایی مانند اصلاحات سیستم مالی، تسهیلات مالی برای صنایع تولیدی و ترویج کارآفرینی، به تشویق مردم به مشارکت پررنگ‌تر در تولید پرداخته است. این اقدامات منجر به افزایش تولید و ایجاد اشتغال در هند شده است.

- **برزیل:** بانک مرکزی برزیل نیز از طریق اجرای سیاست‌های ارتقاء بخش‌های تحت توسعه، حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط و ایجاد شرایط مالی مناسب برای سرمایه‌گذاری، به جهش تولید با مشارکت مردم در این کشور کمک کرده است.

- **استرالیا:** بانک مرکزی استرالیا از طریق سیاست‌های پولی منعطف و نظارت دقیق بر بازارهای مالی، تشویق به سرمایه‌گذاری و مشارکت مردم را در رشد اقتصادی این کشور فراهم کرده است. این نهاد همچنین اقداماتی برای افزایش آگاهی مردم از مباحث مالی و سرمایه‌گذاری انجام داده است.

- **آمریکا:** در آمریکا، Federal Reserve به‌عنوان بانک مرکزی بسیاری از برنامه‌ها و فعالیت‌های مختلفی را برای ایجاد شرایط مناسب برای سرمایه‌گذاری و جهش تولید انجام داده است. این فعالیت‌ها شامل تنظیم نرخ بهره، ارائه تسهیلات مالی به بانک‌ها و تشویق به تسهیلات وام به افراد و کسب‌وکارها می‌شود.

به‌عنوان یک مثال، بانک مرکزی ایالات متحده (Federal Reserve) از طریق تغییر نرخ بهره و سیاست‌های پولی، سعی در تنظیم تولید و رشد اقتصادی دارد. وقتی بانک مرکزی نرخ بهره را کاهش می‌دهد، اقتصاد تحت تحریک می‌افتد؛ این امر باعث افزایش سرمایه‌گذاری و مصرف شده و در نتیجه رشد اقتصادی را تقویت می‌کند. از طرف دیگر، وقتی بانک مرکزی نرخ بهره را افزایش می‌دهد، تأثیر منفی بر رشد اقتصادی خواهد داشت اما می‌تواند از نظر کنترل تورم مؤثر باشد. این تأثیرات نشان از نقش حیاتی بانک مرکزی در جهش تولید و رشد اقتصادی دارد.

در حوزه تجربه‌های بانک‌های مرکزی کشورها، می‌توان به رویکردها و سیاست‌های مختلفی که در جهت تحریک تولید و رشد اقتصادی اتخاذ شده است، اشاره کرد. این کشورها از طریق تدابیر و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی توانسته‌اند مشارکت مردم را در فعالیت‌های تولیدی تشویق کرده و از طریق این راهبردها به رشد تولید و افزایش شاخص‌های اقتصادی دست یابند. در مجموع برخی از این تجربیات عبارت‌اند از:

۱۳- **سیاست‌های پولی گسترده:** برخی بانک‌های مرکزی، مانند فدرال رزرو آمریکا، از سیاست‌های پولی گسترده استفاده می‌کنند که شامل تنظیم نرخ بهره، خرید اوراق قرضه دولتی و سیاست‌های کمک‌های مالی به بانک‌ها و شرکت‌های دیگر است. این اقدامات به منظور تحریک سرمایه‌گذاری و افزایش تولید انجام می‌شود.

۱۴- **تنظیم نرخ بهره:** برخی بانک‌های مرکزی، مانند بانک مرکزی اروپا، با تنظیم نرخ بهره به منظور تحریک خرید و سرمایه‌گذاری، سعی در تحریک تولید داخلی دارند.

۱۵- **تحریک مستقیم تولید:** برخی کشورها مانند ژاپن، برنامه‌ها و سیاست‌های مستقیمی را برای تحریک تولید اتخاذ کرده‌اند، مانند پروژه‌های زیربنا و حمایت‌های مالی به صنایع برتر.

۱۶- **تنظیم تورم و تعادل نرخ ارز:** برخی از بانک‌های مرکزی تمرکز خود را بر روی تنظیم تورم و تعادل نرخ ارز متمرکز می‌کنند تا با تضمین استحکام پایدار اقتصادی، محیطی مناسب برای رشد و تولید فراهم کنند.